

عصر تربیت بدنی در راه است

گفت‌وگو: سمانه ازاد

دکتر مجید کاشف در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش تربیت بدنی



اشاره

نام دکتر مجید کاشف هم برای دانشگاهیان و هم برای کسانی که در حوزه تربیت بدنی در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند آشناست. کسی که در کارنامه کاری خود سمت‌هایی همچون مدیریت کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش؛ مدیریت کل آموزش و تحقیقات سازمان تربیت بدنی؛ مسئول تحقیقات تربیت بدنی آموزش و پرورش و ریاست دانشکده تربیت بدنی دانشگاه شهید رجایی را داشته است. به همین دلیل رشد آموزش تربیت بدنی در حیطه زیبای دانشگاه شهید رجایی برای طرح سؤالاتی میهمان وی شد. سؤالاتی درباره جایگاه تربیت بدنی در آموزش و پرورش کشور، تأثیر این درس بر ورزش قهرمانی، ویژگی‌های تربیت بدنی در هر یک از دوره‌های تحصیلی و تأثیر تغییر ساختار نظام آموزشی کشور بر تربیت بدنی.

دکتر کاشف که اکنون معاون آموزشی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه شهید رجایی است، در این گفت‌وگو از اهمیت تربیت بدنی با توصیف آن به «علم آینده» یاد کرد که هدف از ارائه آن در مدارس سالم‌سازی است نه قهرمان‌سازی.

* به اعتقاد

شما در حال حاضر تربیت بدنی در آموزش و پرورش ما چه جایگاهی دارد؟ آیا این جایگاه مطلوب است یا هنوز راه زیادی تا رسیدن به نقطه مطلوب داریم؟

از سال ۱۳۰۶ درس تربیت بدنی براساس مصوبه مجلس وقت، وارد آموزش و پرورش شد. شاید در فراز و نشیب‌هایی که درس تربیت بدنی طی این هشتاد و شش سال داشته؛ بهترین دوران سال‌های اول بود که همه دانش‌آموزان موظف بودند در روز دو ساعت ورزش کنند. البته به دلیل نبود امکانات و نیروی انسانی این مسئله به تدریج کم‌رنگ شد. بعد از آن سال‌ها دانش‌سراها به تربیت نیروی انسانی و معلم تربیت بدنی؛ یعنی کسانی که بتوانند این درس را در مدرسه رهبری کنند اقدام کردند و از طرفی هم امکاناتی برای مدارس ایجاد شد. تهیه

امکانات به پشتوانه‌های مالی نیاز داشت، شاید هنوز هم امکانات مدارس خیلی خوب نیست، اما فعالیت‌هایی که باید انجام گیرد در ساخت مدارس لحاظ می‌شود. حدود هشت

سال پیش مصوبه‌ای در آموزش و پرورش پیش‌بینی شد که بر مبنای آن هر مدرسه‌ای که بیش

از ۱۲ کلاس دارد، باید به یک سالن ورزشی هم مجهز باشد. به نظر من با توجه به فرازونشیب‌هایی که در این هشتادوشش سال برای تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش ایجاد شده الان در جایگاه دوم قرار داریم. یعنی در طول این سال‌ها و شاید هشت سال پیش که معاونت تربیت‌بدنی و تندرستی در آموزش و پرورش ایجاد شد شرایط خوبی برای ورزش ایجاد شد.

ما در آموزش و پرورش مان سه‌بار معاونت تربیت‌بدنی داشتیم. یکی وقتی بود که تیم ملی فوتبال ایران برای اولین بار به جام جهانی راه یافت. در آن زمان معاونت تربیت‌بدنی برای آموزش و پرورش پیش‌بینی شده بود اما پایدار نبود. دومین بار که تیم ما به جام جهانی راه یافت هم باز این اتفاق افتاد. بعد از این فرازونشیب‌ها دو سال پیش دوباره معاونت تربیت‌بدنی برای آموزش و پرورش ایجاد شد. اکنون قوی‌ترین ساختار ورزش در آموزش و پرورش وجود دارد چرا که در استان‌ها هم معاونت تربیت‌بدنی پیش‌بینی شده، اما این ساختار نیازمند یک برنامه قوی است. این تشکیلات باید بتواند کارهای بزرگی انجام دهد. ولی متأسفانه می‌بینیم که هنوز نتوانسته به جایگاه اصلی برسد. البته کارهای بزرگی انجام گرفته است مثل استخدام ۱۵ هزار معلم تربیت‌بدنی که کار بزرگی بود که سابقه نداشت. با وجود این تشکیلات اگر افرادی باشند که بتوانند برنامه‌های درستی را ارائه دهند روزگار بهتر از این را خواهیم داشت.

قابلیت را دارند که بچه‌ها بتوانند روزی دو ساعت در آن ورزش کنند؟ البته برخی مدارس اکنون در کنار تحصیل به تربیت‌بدنی هم توجه ویژه‌ای دارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند اما بسیاری از مدارس این قابلیت را ندارند.

ما نباید فکر کنیم چون همه نمی‌توانند یک برنامه را اجرا کنند، پس باید برنامه را متوقف کرد. اگر حتی ۵۱ درصد بتوانند طرحی را اجرا کنند طرح موفق است. هر مدرسه‌ای که امکانات دارد می‌تواند طرح را انجام دهد. وقتی برای اولین بار طرح شنا مطرح شد برخی با آن مخالفت کردند، چرا که بعضی از شهرهای ما اصلاً استخر نداشتند، اما آن‌هایی که داشتند چرا نباید استفاده می‌کردند؟ طرح شنا آن

زمان با آن شرایط انجام شد، در حالی که حتی در تهران هم خیلی از مدارس نمی‌توانستند آن را اجرا کنند. اما در عین حال همین شهرستان‌هایی که استخر نداشتند به دنبال بودجه برای اجرای این طرح رفتند. اکثر شهرستان‌ها استخر ساختند تا بتوانند در این طرح شرکت کنند و از دیگران عقب نمانند. پس از آن بود که طرح‌هایی مانند دو و میدانی، ژیمناستیک و تنیس روی میز هم مطرح شد. اثرات این طرح‌ها در بیست سال آینده مشخص می‌شود و آن زمان شاهد رشد چشم‌گیری خواهیم بود.

اکنون تیم والیبال ایران در سطح جهان مطرح می‌شود، در حالی که تا ۱۰ سال پیش چنین نبود. در بسکتبال هم همین‌طور است. اگر ریشه همه این تحولات را در آموزش و پرورش بدانیم، این طرح‌ها می‌توانند این اثرات مثبت را داشته باشند. البته عوامل متعددی در این موفقیت‌ها نقش دارند.

اکنون قوی‌ترین ساختار ورزش در آموزش و پرورش وجود دارد چرا که در استان‌ها هم معاونت تربیت‌بدنی پیش‌بینی شده، اما این ساختار نیازمند یک برنامه قوی است

* پس به نظر شما فعالیت تربیت‌بدنی در مدارس بر ورزش قهرمانی ما تأثیرگذار است؟

قطعاً. بچه‌هایی که وارد مدرسه می‌شوند مانند موم در دست هستند که می‌توانیم به آن‌ها شکل دهیم. اگر این کار را در جهت درست انجام دهیم، قطعاً هدف غایی ما محقق می‌شود. یکی از مواردی که امروزه در آموزش و پرورش مطرح است افزایش ساعات تربیت‌بدنی است. در برنامه چهارم، تربیت‌بدنی باید به سه ساعت و در برنامه پنجم به چهار ساعت در هفته افزایش پیدا می‌کند. در برنامه چهارم قرار شد در برخی مدارس راهنمایی که امکان دارد این طرح به صورت

* گفتید که الان در جایگاه دوم هستیم. منظورتان از جایگاه دوم چیست؟

مصوبه سال ۱۳۰۶ مجلس وقت؛ که براساس آن دانش‌آموزان می‌بایست روزی دو ساعت ورزش می‌کردند، بهترین و اولین جایگاه تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش کشور بود. امروز از نظر شرایط تشکیلاتی در جایگاه دوم و بعد از آن قرار داریم چرا که حتی در تمام استان‌ها معاونت تربیت‌بدنی تشکیل شده و این شرایط خیلی خوبی است.

* فکر می‌کنید امروز چند درصد از مدارس مان این

آزمایشی اجرا شود. شاید استخدام ۱۵ هزار معلم تربیت‌بدنی هم به این دلیل بود که کمبود نیروی انسانی برطرف شود، ولی در برنامه پنج‌به‌همان دو ساعت بازگشت. این در حالی است که در مدارس یک‌نوبته و در ساعات بعدازظهر می‌توان فعالیت‌های ورزشی انجام داد، ولی به‌دلیل سیستم اداری، درهای مدرسه بسته می‌شود. اگر امکان این کار فراهم شود خود دانش‌آموزان حاضرند بعدازظهرها در مدرسه بازی و ورزش کنند، اما سیستم اداری ما نمی‌تواند جوابگوی این موضوع باشد. در دوره‌ای اعلام شد که بعدازظهرها مدارس را در اختیار مردم قرار دهند که با شکست مواجه شد. به هر حال اگر بتوانیم بعدازظهرها در مدارس یک‌نوبته این کار را انجام دهیم؛ دانش‌آموزان می‌توانند هر روز ورزش کنند؛ فقط نیاز به کمی مدیریت دارد.

* در این میان موضوع استعدادیابی هم مطرح می‌شود. اگر بدانیم فیزیک‌بدنی دانش‌آموزان مان برای چه ورزشی مناسب است شاید بهتر بتوانیم در ورزش قهرمانی مان موفق شویم. به نظر تان در این حوزه باید چه برنامه‌ای داشته باشیم؟

در گذشته درباره استعدادیابی در مدارس فعالیت‌هایی انجام شد. یک نظام استعدادیابی در وزارت آموزش و پرورش شکل گرفت که در پی آن برای ورزش‌های مختلف؛ استانداردها، کتاب و برنامه‌هایی تدوین شد. این مسئله بسیار تخصصی است. اگر بخواهیم این کار را به شکل علمی و آن‌چنان که در کشورهای پیشرفته وجود دارد پی بگیریم باید یک طرح ملی را پیش‌بینی کنیم، به طوری که سلیقه‌ای و منحصر به یک مدیر نباشد. چون معمولاً با تغییر مدیران همه برنامه‌ها عوض می‌شود. اکنون در وزارت ورزش بحثی برای تدوین نظام استعدادیابی در رشته‌های مختلف ایجاد شده اما می‌بینیم که آن هم در حد یک تابلوی نئون است و هنوز به صورت زیربنایی کاری انجام نگرفته است. اگر قرار است استعدادیابی ریشه‌ای باشد،

باید در وزارت آموزش و پرورش و مدارس انجام گیرد. چرا که معلم با همه دانش‌آموزان در ارتباط است و همه آن‌ها زیر نظر معلمان تربیت‌بدنی قرار می‌گیرند. بنابراین اولین چیزی که برای شناخت استعدادها باید به آن توجه کنیم افزایش شناخت و گسترش دید معلمان در این خصوص است. بر این اساس باید برنامه‌های ضمن خدمت و دانش‌افزایی را برایشان

پیش‌بینی کنیم تا بتوانند استعداد بچه‌ها را تشخیص دهند. اکنون بسیاری از پیش‌کسوتان ما در یک رشته ورزشی خاص به محض اینکه فیزیک بدن فرد را می‌بینند متوجه می‌شوند که فرد برای آن ورزش ساخته شده یا نه؛ یعنی تجربه‌شان در تشخیص فیزیک موردنظر کمک می‌کند. اگر این دید را در همه معلمان ایجاد کنیم گام بزرگی برداشته‌ایم.

در سال ۱۳۸۴ و زمانی که در سمت مدیرکل تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش بودم و طراحی نظام استعدادیابی در آموزش و پرورش را پیگیری می‌کردم؛ اولین حرکت را معلم می‌دانستم. معلم باید دانش‌آموز را ببیند و به کانون‌های ورزش معرفی کند. در کانون‌ها هم باید سیستمی برای اندازه‌گیری شاخص‌ها و استانداردهای هر ورزش تعیین کنیم. وقتی معلمی براساس استانداردهای تعیین‌شده متوجه می‌شود دانش‌آموزی در شنا استعداد دارد او را به کانون معرفی می‌کند. در کانون هم بار دیگر ویژگی‌های فرد با استانداردها تطابق داده می‌شود تا وارد تیم شود. اگر فرد در تیم رشد کند وارد باشگاه می‌شود. در باشگاه‌ها هم فرد بار دیگر با نظام استاندارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب کسی که وارد باشگاه می‌شود از چند فیلتر رد شده است.

ما تحقیقی در این زمینه انجام داده‌ایم و به دوران دانش‌آموزی کسانی که در سطح ملی و المپیک‌ها مدال آور بودند نقب زده‌ایم. براساس نتیجه این تحقیق متوجه شدیم اکثر این افراد در دوران دانش‌آموزی‌شان در مدرسه و یا مسابقات منطقه‌ای و استانی مدارس مدال داشته‌اند. یعنی همه کسانی که در سطح

ورزش ملی مطرح‌اند در تربیت‌بدنی آموزش و پرورش هم مطرح بوده‌اند. در واقع آموزش و پرورش آن‌ها را شناخته و تحویل باشگاه‌ها داده است. اما این روند به صورت خودروست و هدایت شده نیست. کسی نیست که این موضوع را دنبال کند. اگر بفهمیم استعداد فرد مدال‌آور چگونه در آموزش و پرورش تشخیص داده شده می‌توانیم برای بقیه دانش‌آموزان هم همان راه را ادامه دهیم.

درس تربیت‌بدنی در همه دوره‌ها حتی دانشگاه‌ها باید آن قدر مفرح باشد که بچه‌ها با انگیزه وارد کلاس شوند

* اکنون نظام استعدادیابی در ایران چگونه است؟ ما دو نظام استعدادیابی داریم؛ یکی نظام آمریکایی است که معتقد است باید امکانات را در اختیار همه گذاشت تا هر کسی که استعداد دارد رشد کند. ولی نظامی مانند چین، به‌خاطر جمعیت زیاد افراد را گلچین و انتخاب می‌کند و به تیم‌ها می‌فرستد. نظام استعدادیابی در ایران تلفیقی از این

دو است. مثلاً اکثر شناگران ما کسانی هستند که پدرانشان کارگر استخر بودند، یعنی این امکان در اختیارشان بوده است. اسکی‌بازان ما همه شمشکی‌اند چون زندگی‌شان آنجا بوده است. البته در حالت مدرن تغییر رویه داده‌ایم. مثلاً برای اولین بار موضوع استعدادیابی در مدارس در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ در کرج انجام شد و موفقیت‌آمیز هم بود. اکثر بچه‌هایی که در آن استعدادیابی انتخاب شدند اکنون در باشگاه‌ها هستند. اما متأسفانه این برنامه‌ها مقطعی است. مثلاً مدیری

که اطلاعات و انگیزه‌هایی در این زمینه دارد؛ کارها

و برنامه‌هایی را انجام می‌دهد اما وقتی مدیر

تغییر پیدا کند برنامه‌ها هم تغییر می‌یابند.

استعدادیابی در آموزش و پرورش نیازمند

تشکیلاتی است که مقطعی و سلیقه‌ای

نباشد.

* همان‌طور که مطلع هستید

ساختار و سیستم آموزش و پرورش

در حال تغییر است. به تبع آن حوزه‌های

یادگیری از جمله تربیت‌بدنی نیز دست‌خوش

تغییراتی می‌شود. شما تا چه حد در جریان این تغییرات

هستید؟

بحث حذف دوره راهنمایی و بازگشت به نظام قدیم

تبعاتی را در بخش‌های مختلف دارد. در ورزش و تربیت‌بدنی

هم از یک نظر شرایط بهتری داریم ولی ممکن است از چند

نظر شرایط ضعیف‌تر شود.

* از چه جهت شرایط بهتری ایجاد می‌شود و از چه

جهت ضعف خواهیم داشت؟

از این جهت که تعداد دوره‌ها کمتر شده و به دو دوره

ابتدایی و متوسطه تبدیل می‌شود، شرایط بهتری خواهد بود

چون بودجه‌ها تجمیع و بیشتر می‌شود. اما ممکن است از

چند نظر مشکل ایجاد شود. یکی اینکه وقتی می‌خواهیم

تیم دوره ابتدایی را به مسابقات بفرستیم فقط بهترین‌ها را

انتخاب می‌کنیم. در دوره ابتدایی که بچه‌ها دوران رشد را

می‌گذرانند بهترین‌ها عموماً شش‌می‌ها هستند چون توانایی

بیشتری دارند. اگر قرار باشد برای مدارس پشتوانه‌سازی

کنیم باید قانونی پیش‌بینی شود که براساس آن در تیم دوره

ابتدایی از همه پایه‌ها یا حداقل از پایه‌های چهارم و پنجم و

ششم حضور داشته باشند. وقتی همه تیم از کلاس شش‌می‌ها

باشند، سال بعد مدرسه هیچ تیمی ندارد چون شش‌می‌ها از

مدرسه رفته‌اند و مدرسه هر سال باید از نقطه صفر شروع کند.

اکنون حتی در تیم‌های پیش‌کسوتان هم همین‌طور است و از

همه رده‌های سنی باید حضور داشته باشند تا تعادلی در تیم ایجاد شود. حال باید این طرح در آموزش و پرورش ایجاد شود به‌خصوص که دوره‌های تحصیلی طولانی می‌شوند. البته این موضوع قبلاً هم در مورد کلاس پنجمی‌ها بود. به‌هرحال باید تیم را به‌گونه‌ای انتخاب کرد که از همه پایه‌ها در آن حضور داشته باشند به این ترتیب پشتوانه برای مدرسه ایجاد می‌شود و بچه‌ها تجربیاتی به‌دست می‌آورند که در سال‌های بعد مورد استفاده‌شان خواهد بود.

* ضعف دیگری هم هست؟

یکی دیگر از موارد، پراکندگی

شرایط یادگیری است. دوره

راهنمایی دوره تکوین مهارت‌ها بود.

یعنی مقدماتی که در دوره ابتدایی

به دانش‌آموز آموزش داده می‌شد،

در راهنمایی تکمیل می‌شد. اکنون

شاید دوره تکمیل یادگیری مهارت

دچار خدشه شود. بنابراین باید سه سال

نخست متوسطه را برای این منظور

حفظ کنیم. تا پیش از این اعتقاد

بر این بود که ابتدایی دوره ورزش

قهرمانی نیست، بلکه دوره بازی‌های مقدماتی و مهارت‌های

پایه است. دوره راهنمایی، دوره آموزش مهارت‌ها و دوره

متوسطه زمان به نمایش گذاشتن این مهارت‌هاست. اکنون

با حذف دوره راهنمایی تکلیف تکمیل مهارت‌ها چه می‌شود؟

برای این موضوع باید برنامه‌هایی پیش‌بینی شود. البته تقسیم

شدن دوره متوسطه به دو دوره اول و دوم می‌تواند این مشکل

را حل کند اما باز سطوح یادگیری و معلم‌هایی که برای

هر دوره پیش‌بینی می‌شود باید مشخص و متفاوت باشند.

در همین زمینه برنامه آموزش تربیت‌بدنی در وزارت علوم

طراحی شد تا جایگزین برنامه دبیری تربیت‌بدنی شود. این

برنامه دو گرایش دارد، یکی آموزش تربیت‌بدنی پیش‌دبستان

و دبستان و دیگری آموزش تربیت‌بدنی متوسطه. این برنامه

اکنون مصوب شده و از امسال هم در دوره کارشناسی دانشجوی

می‌پذیرد. فکر می‌کنم اگر این طرح موفق باشد در آینده معلم

تربیت‌بدنی ابتدایی باید در این رشته درس خوانده باشد، در

حالی که الان این‌گونه نیست و کسی که کارشناس تربیت‌بدنی

است می‌تواند در هر مقطعی فعالیت کند اما در برنامه جدید

همه این‌ها تفکیک شده است.

* تغییراتی که در آموزش و پرورش به‌وجود آمده،

براساس سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی است.

اگر قرار است استعدادیابی ریشه‌ای باشد، باید در وزارت آموزش و پرورش و مدارس انجام گیرد

جایگاه تربیت‌بدنی در این دو سند چگونه بوده است؟
متأسفانه این اسناد درس تربیت‌بدنی را در قالب برنامه‌ریزی درسی پیش‌بینی کرده‌اند؛ یعنی گروه متخصص تربیت‌بدنی این برنامه را خاص تربیت‌بدنی تدوین نکرده‌اند. یک‌سری برنامه‌های کلی پیش‌بینی شده است. اما این موضوع که برای هر پایه یک کتاب تربیت‌بدنی به‌عنوان راهنمای معلم تدوین می‌شود کار خوبی است، چون حداقل معلم می‌داند که قرار است در هر پایه تحصیلی چه کاری انجام دهد.

معلم تربیت‌بدنی به‌جای مدرک تحصیلی، باید دنبال کسب مهارت در رشته‌های گوناگون باشد

* در صحبت‌هایتان اشاره کردید که سال ۱۳۰۶ روزانه یک ساعت ورزش برای دانش‌آموزان تصویب شد. حالا با توجه به شرایط امروز، زمان مطلوب چند ساعت در هفته است؟

فکر می‌کنم سه روز در هفته و هر نوبت حداقل یک ساعت برای درس تربیت‌بدنی مطلوب است. تحقیقات ما نشان می‌دهد که یک ساعت اضافه در هفته هم اثر مطلوبی دارد.

* با توجه به این صحبت‌ها تربیت‌بدنی در هر یک از دوره‌ها باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

درس تربیت‌بدنی در همه دوره‌ها حتی دانشگاه‌ها باید آنقدر مفرح باشد که همه با انگیزه وارد کلاس شوند. یعنی برخلاف بقیه کلاس‌ها اگر معلمشان نیاید ناراحت شوند. اگر یک معلم ساعات خوشی را برای بچه‌ها در سطوح مختلف ایجاد کند، بچه‌ها منتظر این درس می‌مانند. این موفقیتی است که در درس تربیت‌بدنی اتفاق می‌افتد. فراهم کردن ساعات خوش توسط معلم و هماهنگ کردن آن با هدفی که دارد کار ساده‌ای است. معلم می‌تواند به‌جای اینکه بچه‌ها را بدواند و آن‌ها را خسته کند، اهداف دوییدن را در یک بازی پیاده کند. مثلاً یکی از اعتراضات به آزمون‌های پایان ترم درس تربیت‌بدنی بود. برخی می‌گفتند بچه‌ها بعد از آزمون مریض می‌شوند و حتی والدین اعتراض می‌کنند. این آزمون‌ها غلط نیستند بلکه معلم باید با برنامه‌های مفرح طی ترم توانایی دانش‌آموزان را به حدی برساند که از پس آزمون‌های پایان ترم برآیند.

یکی از کارهایی که در سال ۱۳۸۵ و به‌منظور مفرح کردن درس تربیت‌بدنی انجام دادیم، ورود بازی‌های بومی و محلی به مدارس بود. مدارس را به بازی‌هایی مانند هفت‌سنگ

و وسطی و بازی‌هایی که معمولاً خانواده‌ها در روز سیزدهم فروردین انجام می‌دهند تشویق کردیم. اتفاقاً طرح موفقی شد و هنوز هم ادامه دارد. این طرح پایه‌گذاری شد تا بچه‌ها بتوانند ساعات خوشی داشته باشند. اگر بتوانیم این موضوع را ادامه دهیم و تربیت‌بدنی را به درسی شاد و مفرح تبدیل کنیم می‌توانیم اهداف نهایی‌مان را در قالب جدید پیاده کنیم. واقعیت این است که هدف

درس تربیت‌بدنی قهرمان‌سازی نیست بلکه سالم‌سازی است حال گروهی از دانش‌آموزان هم به سمت قهرمانی می‌روند. بنابراین اگر بتوانیم این بازی‌ها را در مدارس تثبیت کنیم شاید بتوانیم سالم‌سازی را هم ایجاد کنیم.

* در مورد اجرای طرح‌هایی مانند شنا

یا ژیمناستیک در مدارس چه نظری دارید؟ آیا

همه مدارس می‌توانند آن را اجرا کنند و موفق بوده‌اند؟

اگر یک بخش مشکل دارد نباید طرح را قطع کنیم. درباره این طرح‌ها هم همین‌گونه است. مثلاً تحقیقات نشان داده‌اند که بالاترین میزان آسیب ورزشی، آلودگی ناشی از استخر در دختران بوده است اما این مشکل در منطقه‌ای بوده که چندان به بهداشت اهمیت نمی‌دادند یا استخرهایی که بودجه ندارند و کلر را حذف می‌کنند. علاقه بچه‌ها هم بحث دیگری است. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه بچه‌ها به شنا علاقه‌مند باشند، اما از میان این رشته‌ها به یکی از آن‌ها علاقه دارند. ما تحقیقی درباره اثر رشته‌های ورزشی بر افزایش توانایی‌ها انجام دادیم و متوجه شدیم هیچ فرقی با هم ندارند. یعنی مهم نیست شنا می‌کنید یا بدمینتون. همه ورزش‌ها توانایی‌ها را بالا می‌برند. نفس ورزش مهم است. کسی که به شنا علاقه ندارد می‌تواند تنیس روی میز یا بدمینتون یا والیبال و بسکتبال را انتخاب کند.

* پس در کل این طرح‌ها را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

بله. به‌نظر من این طرح‌ها مثبت هستند و باید ادامه پیدا کند. ما اکنون در حال تدوین برنامه‌ای برای دوچرخه‌سواری در دوره متوسطه هستیم. اگر بتوانیم این طرح را در مدارس پیاده کنیم موضوع آلودگی هوا در شهرهای بزرگ هم تا حدودی حل می‌شود. چرا که تردد حداقل در مسیرهای کوتاه با دوچرخه انجام می‌گیرد. برخی استان‌ها مانند یزد در این زمینه موفق بوده‌اند. این کار هم هدف سالم‌سازی دارد و هم هدف اجتماعی.

چند رشته بگیرند خیلی موفق تر خواهند بود. یعنی یادگیری کار و مهارت در اولویت قرار گیرد. معلم تربیت بدنی به جای مدرک تحصیلی، باید دنبال کسب مهارت در رشته‌های گوناگون باشد. اگر حداقل در دو رشته کارت مربیگری بگیرد می‌تواند معلم موفق باشد به طوری که تیم‌داری کند و حتی در مسابقات شرکت کند.

*** چه توصیه‌ای برای معلمان و مربیان تربیت بدنی دارید؟**
به نظر من تربیت بدنی علم غالب در آینده خواهد بود. امروزه می‌گویند علم غالب الکترونیک است اما در آینده تغییر خواهد کرد چون آمار چاقی در کشورها آن قدر بالاست که مشکلات سلامتی همه را به سمت ورزش می‌کشاند. اینجاست که همه به سمت متخصصان این زمینه می‌روند؛ اتفاقی که در کشورهای پیشرفته افتاده است. به نظر من کسانی که امروز وارد حوزه تربیت بدنی می‌شوند در آینده افرادی خواهند بود که می‌توانند جامعه را به سمت سلامتی هدایت کنند. این، مسئله‌ای است که مدیران باید به آن توجه داشته باشند و بستر آن را فراهم کنند.

*** به معلمان و دبیران بپردازیم. به نظر تان مشکلات معلمان به‌ویژه مشکلات معیشتی بر فعالیت آن‌ها در مدارس تأثیر می‌گذارد؟**

این موارد در برهه‌ای خیلی مطرح بود، الان شاید کمتر شده باشد. ضمن اینکه من اعتقاد ندارم فرد باید فقط معلم باشد. فرد باید ابتدا مربی خوبی باشد تا بتواند معلم خوبی هم باشد. وقتی مربی باشیم می‌توانیم در اوقات فراغت آموزش تیم داشته باشیم. من معتقد نیستم که معلم تربیت بدنی نمی‌تواند حقوق خوبی داشته باشد. می‌تواند تیم‌داری کند و در باشگاه‌ها فعالیت داشته باشد. این‌ها بستگی به توانایی‌های معلم دارد. می‌توانیم با ایجاد کلاس‌های مربیگری و داوری و ارتباط با فدراسیون‌ها برخی از این مشکلات را برطرف کنیم.

*** معلمان ورزش با وجود همه مشکلات چگونه می‌توانند به مدارج بالای علمی برسند؟**

من به این مسئله اعتقاد ندارم که حتماً باید مدارج علمی را طی کنند. معتقدم معلمان تربیت بدنی اگر به جای اینکه به مدرک تحصیلی‌شان اضافه کنند، کارت مربیگری



کسانی که امروز وارد
حوزه تربیت بدنی
می‌شوند در آینده افرادی
خواهند بود که می‌توانند
جامعه را به سمت سلامتی
هدایت کنند

